

## نقش مبانی اسلامی در ارتقای اخلاق زیست محیطی

محمد جواد فلاح<sup>۱</sup> - حامد پوررستمی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش مبانی زیست محیطی اسلام در عملکرد اخلاقی افراد نسبت به محیط زیست است. پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، مبانی معرفتی اخلاق زیست محیطی اسلامی تبیین و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان دهنده آن است که مبانی معرفتی‌ای، چون اعتقاد به برخورداری هستی از شعور تکوینی، باور به مسئولیت در مواجهه با محیط زیست و اعتقاد به تأثیر وضعی نوع رفتار با محیط در حیات دنیوی و اخروی، بر عملکرد اخلاقی ما تأثیرگذار است. این مبانی باعث ایجاد دیدگاهی شایسته نسبت به محیط زیست شده و نگاه ارزشی آنان را به عالم خلقت توسعه می‌بخشد (تأثیرشناختی). با توسعه این نگاه، جنبه‌های گرایشی افراد در مسئولیت‌پذیری اخلاقی در قبال محیط زیست فعال شده و به ایجاد گرایش و میل و سرانجام، صدور رفتار اخلاقی مناسب نسبت به محیط می‌انجامد. مراقبت، عدم تخریب محیط زیست و رعایت حقوق حیوانات از جمله نتایج این رویکرد است.

**کلیدواژه‌ها:** مبانی اخلاقی، اخلاق زیست محیطی، شأن اخلاقی، اخلاق اسلامی، شعورمندی هستی.

fallah@maaref.ac.ir

purrostami@ut.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده فارابی.

دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

## ۱. بیان مسئله

امروزه در زمینه تربیت اخلاقی و آموزش اخلاق، روش‌های متعددی پیشنهاد می‌شود که هرکدام از این روش‌ها به‌گونه‌ای می‌توانند شرایط اخلاق فردی و اجتماعی را بهبود بخشیده و به تعالی اخلاقی بینجامد (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۴۴؛ فقیهی، ۱۳۸۹: ۴۵).

در اصل، یکی از طرف‌های ارتباط انسان در زندگی روزمره محیط‌زیست است که انسان به علل مختلف با آن در ارتباط است؛ به‌ویژه اینکه یکی از ابزارها و امکاناتی که برای سپری کردن اوقات فراغت و تفریح و آرامش از آن بهره برده می‌شود، محیط‌زیست و استفاده از محیط طبیعی است.

بهره‌مندی از مواهب طبیعی، انسان را ناچار در معرض نوعی رفتار و تعامل با محیط‌زیست قرار می‌دهد که خواه‌ناخواه برای او الزاماتی اخلاقی و حتی انسانی در مواجهه با محیط اطراف ایجاد کرده و او را با یک مسئولیت اخلاقی روبه‌رو می‌کند. براین اساس، دانشمندان به مسئله اخلاق محیط‌زیست توجه خاصی کرده و نظریات و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه ارائه داده‌اند<sup>۱</sup> (بنگرید به: Becker, vo.I: 470-467). بسیاری از افراد از کنار چنین مسئولیتی، بسیار سهل‌انگارانه و بی‌تفاوت عبور می‌کنند و به سهولت حریم اخلاقی محیط‌زیست و طبیعت را می‌شکنند. براین اساس توجه به مبنای الهیاتی از جمله ملاحظه پیوند علی - معلولی خداوند و عالم هستی و توجه انسان به چنین پیوندی بین خدا و عالم خلقت، زمینه مسئولیت اخلاقی انسان در مواجهه با محیط‌زیست را فراهم آورده و باعث مراقبت از نوع عملکردش در مواجهه با محیط‌زیست می‌شود.

نخستین عنصر این باور به ما چنین می‌گوید که خداوند در خلقت عالم فاعلیت

۱. در دائرةالمعارف بیکردر مقاله‌ای نظریات اخلاقی محیط‌زیست از قبیل نظریه انسان‌مدار، حیوان‌مدار، زیست(حیات)مدار، بوم‌مدار و عالم‌مدار بیان شده است که این نظریات به صورت طیفی از کم‌دامنه (انسان‌مدار) به سوی گسترده‌ترین دامنه (عالم‌مدار) گسترش می‌یابد (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۹۷-۱۲۲).

داشته است؛ این معنا باعث چرخش نگاه افراد از طبیعت به سوی خلقت می‌شود. نگاه به طبیعت گونه‌ای نگاه است که از سویی، عالم و هستی شامل دار و درخت، کوه، صحرا و ... را محصول خود طبیعت و نتیجه اتفاق انگاشته و از سوی دیگر آن را ابزاری در خدمت انسان و عهده‌دار برآوردن منافع او می‌داند. در مقابل، نگاه به خلقت، عالم را در رابطه و پیوند با خداوند معرفی کرده و آن را مخلوق موجودی آگاه، بصیر، عالم و قادر در معنای تام و تمام کلمه می‌داند که برای خلقت خویش شأن و وزنی قائل است. از این رو عالم و محیط زیست، هم از این نظر که مخلوق و فعل الهی‌اند، دارای شأن و منزلتی هستند که باید از سوی انسان حفظ شود و هم از این نظر که برای انسان نتایج و ثمراتی دنیوی و اخروی دارند؛ به عبارت دقیق‌تر به لحاظ تکوینی و تشریحی انسان در مقابل محیط زیست مسئولیت اخلاقی خواهد داشت. چنین مسئله‌ای انسان را وامی‌دارد که فارغ از الزامات بیرونی، همواره مسئولانه در مقابل مخلوقات خداوند به صورت مناسب واکنش نشان دهد.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه دیگر، پیش فرض ما در پاسخ به رابطه عمل و نظر است. توضیح مطلب اینکه برخی دیدگاه‌ها، مثل دیدگاه سقراط و افلاطون نقش معرفت را به عنوان علت تأمه و شرط لازم و کافی در عمل اخلاقی می‌دانند. از نظر سقراط فضیلت همان معرفت است و ردیلت همان جهل (کاپلستون، ۱۳۶۸: ۱/ ۱۳۰) و برخی مثل ارسطو نقش معرفت را در عمل اخلاقی به عنوان علت ناقصه و شرط لازم و غیرکافی دانسته و به عواملی چون تمرین و عمل نیز توجه می‌کنند (ارسطو، ۱۳۸۵: پاره ۱۱۰۳ / ۵۴). برخی نیز مانند دیوید هیمون نقش عقل را در معرفت اخلاقی ندیده می‌گیرند که برخی پژوهشگران به تفصیل بدان پرداخته‌اند (شیدان شید، ۱۳۸۸: ۱۹۲). این مسئله به صورت مستوفاً توسط پژوهشگرانی بررسی شده است (برای نمونه بنگرید به: اکبریان، ۱۳۹۰: ۳).

۱. درباره شأن اخلاقی محیط زیست تحقیقاتی صورت گرفته است؛ از جمله: (رکن‌الدینی، ۱۳۹۲؛ جغتایی، ۱۳۹۲).

پژوهش حاضر ضمن رد دیدگاه‌های افراطی و تفریطی درباره عمل و نظر، به تأثیر اقتضایی معرفت و نظر در عمل اخلاقی قائل است؛ به این معنا که معرفت می‌تواند زمینه عمل اخلاقی و نیل به آن را در افراد فراهم کند؛ به ویژه اینکه متعلق معرفت امری باشد که باعث تذکر و تحریک عواطف قلبی انسان شود. در اصل، پژوهش بر اصل «تذکر» به عنوان یکی از روش‌های تربیت اخلاقی پافشاری می‌کند؛ چراکه با تحریک قوای ادراکی و متذکر شدن افراد به برخی از مبانی و دیدگاه‌های اساسی درباره مسائل زیست محیطی و به ویژه نوع نسبت انسان با ارکان هستی و نیز در نظر گرفتن چنین مسئولیت اخلاقی ای رفتار بهبود می‌یابد.

اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که مبانی معرفتی کدام یک از روش‌های پیشنهادی می‌تواند در سلوک و تربیت اخلاقی کارا تر باشد و به علت کارایی و اثربخشی، در اولویت سیستم‌های متولی امر فرهنگ و اخلاق قرار بگیرد تا براساس آن آموزش اخلاق سامان یابد.

در اصل، روش‌ها بسته به مبانی می‌توانند کارایی و اثربخشی متفاوتی داشته باشند؛ برای نمونه پذیرفتن این نکته که خداوند براساس توحید ربوبی در عالم نقش دارد یا خیر، می‌تواند نتایج متفاوتی در پی داشته باشد. از این رو، برای نمونه پذیرش مبنای یادشده به علت نوع مراقبتی که افراد در اعمال خود خواهند داشت، در درونی سازی اخلاق تأثیرگذارتر است تا پذیرفتن آن.

در ارتباط با مسئله مقاله حاضر باید گفت که مسئله انگیزش اخلاقی نیز ارتباط وثیقی با مبانی مورد پذیرش فاعل اخلاقی دارد؛ از این رو این پرسش مطرح است که چه عاملی می‌تواند به چنین انگیزش درونی ای فعلیت ببخشد؟ انسان که موجودی بسیار پیچیده است و منافع و نیازهای ضروری و بالفعل و بالقوه اش او را همواره در معرض انتخاب‌های گوناگون حق و باطل قرار می‌دهد، چگونه می‌تواند در تعامل با خود و دیگران به صورت خودخواسته و اختیاری دست به انتخاب اخلاقی زده و منافع طرف ارتباطش را مقدم دارد؟ این همان مطلبی است که اساس انگیزش اخلاقی بوده و به تعبیری رفتار اخلاقی ما

در مواجهه با دیگران را ضمانت خواهد کرد.

درباره اینکه مبنای اخلاقی عمل چیست و چرا باید اخلاقی زیست، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۷)؛ اما در مبانی الهیاتی، آنچه حیات اخلاقی انسان را توجیه می‌کند، سخن از زیست اخلاقی با توجه به چنین مبانی‌ای و حضور خداوند و رابطه او با هستی و انسان است. به عبارت دیگر، نمی‌توان اخلاقی زیستن را بدون در نظر داشتن چنین تعاملی بین خدا، انسان و هستی تصور کرد. براین اساس، باید مبنا و انگیزش‌های اخلاقی انسان را بر پایه چنین مبنایی تحلیل کرد و در پی آن از مسئولیت اخلاقی انسان در همه عرصه‌های زیست انسانی و حتی محیط‌زیست سخن گفت. توجه به چنین مبنایی و تذکر به آن که به دو ساحت معرفتی و گرایشی مرتبط است، به انسان در بالا بردن قدرت تصمیم‌گیری اخلاقی و گسترش دامنه اختیار و انتخاب یاری می‌رساند و در چنین حالتی است که راه اخلاقی عمل کردن هموارتر می‌شود. از این رو می‌توان به برخی مبانی تأثیرگذار، مانند عنصر باور به رابطه علی - معلولی بین انسان و خدا توجه کرد؛ این عنصر پای موجودات دیگر هستی را نیز به میان آورده و به تعامل انسان با هستی رنگ و معنا می‌بخشد. برخی به این تعهد مشترک در قبال انسان و دیگر موجودات توجه کرده‌اند (Warren, 1997).

آنچه پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد، تبیین مبانی معرفتی و تأثیر آن در نوع عملکرد اخلاقی انسان در قبال محیط‌زیست است. در بیشتر پژوهش‌ها، چنان‌که خواهد آمد، رویکرد پژوهش توصیفی است و با رویکردهای مختلف به تبیین مبانی پرداخته شده است. به هر رو، در پژوهش حاضر، ضمن تبیین جایگاه برخی از مهم‌ترین مبانی معرفتی تأثیرگذار در زیست اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی، به تأثیر این مؤلفه‌ها و نوع سلوک اخلاقی انسان در مواجهه با محیط‌زیست پرداخته خواهد شد.

## ۲. جایگاه مبانی معرفتی انسان در زیست اخلاقی

اولین و مهم‌ترین عنصر مؤثر در ایجاد پیام اخلاقی برای افراد، داوری ابتدایی آنان

درباره طرف ارتباط است. این داوری به نوع ارزش‌گذاری افراد نسبت به طرف ارتباط باز بسته است و در همه قلمرو اخلاقیات عمومیت دارد؛ برای نمونه انسان در رابطه بین شخصی، زمانی برای طرف ارتباط خود ارزش و احترام قائل است که او را با ارزش بداند که البته چنین انگاره‌ای ممکن است براساس تصویری کاذب یا واقعی باشد. احترامی که برخاسته از داشتن مالی یا اعتبار موقعیتی است، به ایجاد احترامی کاذب و اعتباری و به تعبیر دقیق‌تر احترام جعلی می‌انجامد و روشن است که پشتوانه چنین احترامی یک انگیزه اخلاقی واقعی نیست. براین اساس، باید از تصویرشان اخلاقی محیط زیست در نزد انسان‌ها سخن گفت و این پرسش را مطرح کرد که انسان‌ها درباره محیط زیست چگونه فکر می‌کنند.

محیط زیست در یک تعریف ابتدایی، موجودات زنده و عناصر پیرامون آن‌هاست که با یکدیگر در تأثیر و تأثر قرار دارند؛ بدین سان محیط زیست مفهومی دائم‌الاضافه است؛ مانند محیط زیست این شخص، این درخت و این حیوان (سلمان ماهینی، ۱۳۸۸)؛ همان‌گونه که در نگاه حقوقی نیز محیط زیست را شامل: آب، هوا، خاک، و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌دانند (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

اما کدام تصویر و انگاره از محیط زیست می‌تواند باعث ایجاد انگیزه رفتار اخلاقی شود و انسان را به سوی اخلاق زیست محیطی سوق دهد؟ برای تحقق چنین امری باید در تعریف خود از محیط زیست و از جمله تعریف‌های یادشده تجدید نظر کرده و طبیعت‌گرایانه را به نگاهی ارزشی که بر محور خلقت الهی است، بدل کرد. در چنین تعاریف خشک و بی‌روحی (طبیعت‌گرایانه)، محیط زیست ابزاری برای زندگی انسان انگاشته می‌شود؛ هرچند برخی کوشیده‌اند در این تعاریف، نگاه مسئولانه را دخالت دهند. در مقدمه بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد در استکهلم با نگاهی هنجاری به محیط زیست به دولت‌ها چنین اعلام شده که «انسان شکل‌دهنده محیط زیست خود است؛ محیطی که به وی بقای فیزیکی و فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) می‌دهد» (کیس و دیگران، ۱۳۷۹: ۵-۶). در این نگاه، به عنصر انسانی به عنوان

شکل دهنده محیط زیست توجه ویژه‌ای شده و عنصر اخلاق و معنویت و سلامت روحی در پیوند با محیط زیست معرفی شده است. چنین توصیه‌ای تا چه حد می‌تواند برای اخلاقی سازی در حدّ کلان مؤثر باشد؟ مسئله این است که چه چیزی در ما الزام اخلاقی ایجاد می‌کند. افراد معمولاً انگاره و تصویری شعورمندانه از اجزای محیط ندارند تا براساس آن خود را به مراعات حقوق اخلاقی محیط زیست ملزم بدانند؛ به بیان ساده‌تر، محیط همواره در خدمت آدمیان است و این نگاه مخدومانه انسان‌ها به محیط زیست، مانع بزرگی برای انگیزش اخلاقی آنان است.

گروهی از محققان کوشیده‌اند برای اصلاح چنین انگاره‌ای پیشنهادهایی ارائه دهند. برخی از آنان با نگاهی حقوق محور، عده‌ای با نگاهی سودمحور و کسانی با نگاهی فیلسوفانه و به ویژه براساس فلسفه اسلامی به این مسئله پرداخته‌اند؛ برای نمونه برخی براساس نظام الهیاتی، محیط زیست را جزئی از نظام الهی دانسته‌اند که در طبیعت تجلی کرده است؛ در این تلاش، رابطه دین و طبیعت با رویکردی فلسفی به بحث گذاشته شده است (نصر، ۱۳۸۵: ۳۵). برخی محققان نیز ضمن بیان پیشینه چرایی توجه به محیط زیست که براساس نگاه فیلسوفان شکل گرفته، به تحلیل چرایی آن پرداخته و خود براساس نظریه ملاصدرا چرایی شأن اخلاقی محیط زیست را تبیین کرده‌اند. در این پیشینه، برای پاسخ به چرایی مراعات اخلاقی محیط زیست به تقسیم بندی ارنه نآس، فیلسوف نروژی از بنیان‌گذاران فلسفه محیط زیست، اشاره شده که با تعبیر «بوم‌شناسی سطحی و ژرف‌نگر» به تبیین محیط زیست می‌پردازد.

براساس تقسیم بندی یادشده و ملهم از آن، دلیل‌هایی برای مراعات اخلاقی در قبال محیط زیست بیان شده است؛ از جمله:

**نگاه سودانگاران:** از آنجاکه منافع انسان‌ها در گرو محیط زیست سالم است، باید اخلاق زیستی را رعایت کرد.

**نگاه ترحم‌آمیز:** از آنجاکه بی‌رحمی نسبت به محیط زیست باعث ایجاد صفات غیراخلاقی در انسان می‌شود، باید اخلاق زیستی را رعایت کرد.

نگاه حق مدارانه: محیط زیست برخوردار از حیات و زندگی است؛ بنابراین برای مراعات چنین حقی باید حقوق محیط زیست را مراعات کرد (علوی مقدم و قاسمی، ۱۳۹۸: ۵۱-۵۶). در نهایت نویسنده مقاله «توان فلسفه ملاصدرا در حل مسئله شأن و جایگاه اخلاقی محیط زیست» بر مبنای اصول هستی شناختی در فلسفه صدرایمانند: وحدت وجود، تشکیک وجود و وجود رابط و مستقل چنین شأن و منزلتی را تبیین کرده و آن را از مسیر حکمت متعالیه پی گرفته است (<http://gharamaleki.ir>).<sup>۱</sup> براساس نتیجه پژوهش یادشده، صدرای مبتنی بر نظریه ربط انگاری همه ممکنات و شأن حق دانستن آن‌ها این منزلت را تا حد هویت قدسی فراتر می‌برد و بر این اساس عالم هستی، فراتراز شعورمندی، شأنی «از اویی» می‌یابد و فراتراز «از اویی» شأن و حیثی از وجود مطلق است (همان). برخی نیز با توجه به قاعده بسیط الحقیقه، از منظر صدرایمانند به نقد نظریات اخلاق محیط زیست پرداخته و نظریه‌های اخلاقی موجود را نقد کرده‌اند (بیدهندی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

در مجموع به عنوان پیشینه، مسئله تأثیر مبانی از دیدگاه صاحب نظران اخلاقی دور نمانده؛ بلکه در برخی از پژوهش‌ها مطالعات جهانی اخلاق زیست محیطی و لزوم آموزش مبانی مشترک آن بررسی شده (پارساپور، ۱۳۹۱: ۲۵-۴۳) و در برخی نیز به ویژه به ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی، با تأکید بر دیدگاه اسلامی، تمرکز شده است (عابدی سروستانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۲-۵۹). همچنین در برخی دیدگاه‌ها با تمرکز بر یک رویکرد خاص اسلامی، مبانی زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه چنان‌که ذکر شد، بیدهندی و شیراوند به اخلاق زیست محیطی در حکمت متعالیه پرداخته‌اند (بیدهندی و شیراوند، ۱۳۸۹: ۱۰۸). افزون بر این، در پژوهشی با عنوان «مبانی

۱. این ایده در همایش بین‌المللی فلسفه با عنوان «توان فلسفه ملاصدرا در حل مسئله شأن و جایگاه اخلاقی محیط زیست» در تاریخ ۸۹/۹/۲ ارائه شده که نتیجه آن در سایت (<http://gharamaleki.ir>) موجود است.



جهان‌شناختی اخلاق زیست محیطی در اندیشه صدرالمتألهین» بر مبانی دیدگاه ملاصدرا تمرکز شده است (مؤمنی و موحدی، ۱۴۰۱).

پژوهش پیش رو از این نظر که بر آموزه‌های دینی مبتنی بر قرآن و روایات متمرکز شده و دلالت این آموزه‌ها را به عنوان مبانی تأثیرگذار مورد توجه و تمرکز قرار داده، از پژوهش‌های یاد شده متمایز است. از این رو، تبیین مبانی مندرج در متون دینی ضمن ایجاد مسئولیت اخلاقی در قبال محیط زیست که دامنه آن تا ابد کشیده می‌شود، مسئله‌اتر وضعی نوع تعامل با محیط زیست را به میان آورده و انسان‌ها را به منافع و اثرات بد اخلاقی با محیط در زندگی‌شان آگاه خواهد کرد. ایده نویسندگان پژوهش حاضر که به شکل خلاصه «درونی‌سازی اخلاق زیست محیطی بر اساس آموزه‌های دینی» نامیده شده، بر اساس مباحث ذیل قابل ارائه است:

### ۳. مبانی معرفتی تأثیرگذار بر اخلاق زیستی

الزامات اخلاقی را می‌توان بر اساس مبانی و نظریات اخلاقی مختلف توجیه کرد؛ چنان‌که در این باره در نظریات و وظیفه‌گرا، فضیلت‌محور و غایت‌گرا برای توجیه اخلاقی و علت الزام اخلاقی توجیهاتی بیان شده است. در دیدگاه اسلامی مهم‌ترین رکن در پایبندی به الزامات اخلاقی، پذیرش خداوند به عنوان خالق هستی و تعیین‌کننده الزامات و قواعد اخلاقی بر اساس ویژگی‌های انسان و جهان است؛ بدین سان پایبندی به الزامات اخلاقی معیاری الهی دارد. لازمه تأثیرپذیری از مبانی و حیانی اصل فطری بودن آموزه‌های دینی است. توضیح مطلب اینکه چون انسان به صورت فطری خداخواه است و دین را در نهاد خود می‌فهمد و می‌شناسد، از ظرفیتی برخوردار است که گزاره‌ها و بایدهای دینی را راحت‌تر درمی‌یابد. دین به چند شیوه به تصویرسازی درباره اصلاح‌انگاره‌ها می‌پردازد؛ نخست اینکه توحیدگرایی و حضور و تأثیر خدا در افعال انسان - که تعامل با موجودات و محیط زیست از آن جمله‌اند - برای انسان ایجاد مسئولیت می‌کند از طرفی باور به معاد و در نتیجه پاسخ‌گو بودن در روز واپسین نسبت به نوع عملکرد انسان با محیط زیست برای او

مراقبت ایجاد می‌کند و در نهایت باور به آثار وضعی‌ای که رفتار سوء با محیط‌زیست دارد، انسان را به انگاره‌ای متفاوت در عملکردش با محیط‌زیست می‌رساند.

این تصویرسازی که مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و روایی است، به طریق آسان‌تری می‌تواند به ارائه‌ی تصویری مناسب عموم بینجامد. در نگاه دینی به برهان‌های پیچیده فلسفی نیازی نیست؛ ضمن اینکه نباید راه پرطمطراق عرفان را به عوام‌التاس پیشنهاد داد. آسیب‌نگرش اخلاقی در قبال محیط‌زیست را نباید در دام دشوارگویی و ارائه‌ی پیشنهاد‌های کلان و کلی انداخت. در واقع با نگاهی آسیب‌شناسانه درمی‌یابیم که بیشترین آسیبی که متوجه اخلاق محیط‌زیست است، از انگاره‌ها و تصوّرات غلط ناشی می‌شود؛ از این‌رو براساس محورهایی می‌توان برای آسیب‌ها و سرانجام ایجاد انگاره‌های صحیح همت گماشت.



### ۱-۳. آگاهی و باور به شعورمندی و درک خلقت

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که زمینه‌ساز مشکلات اخلاقی افراد در مواجهه با محیط‌زیست و حیوانات می‌شود، باور به نداشتن شعور، آگاهی، فهم و درک هستی

نسبت به حقایق است.<sup>۱</sup> در این نگاه، از آنجاکه موجودیت هستی به کارکردها و کاربردش برای آدمی بازبسته است، نمی‌توان نسبت به آن، به‌عنوان یک موجود زنده و دارای شعور، تکلیف اخلاقی داشت و احساس اخلاقی از خود بروز داد. آموزه‌های دینی چنین نگاهی را تغییر می‌دهد و از حضور خدا در هستی و فاعلیت او در کوه، آسمان، زمین، باران، گیاهان و ... سخن می‌گوید؛ تعبیراتی چون: «همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد» (بقره / ۲۲) و نیز ربوبیت خدا در جاری کردن آب در زمین: «آیا نگاه نکرده‌اند که ما باران را به سوی زمین با برمی‌رانیم و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند؟ مگر نمی‌بینند؟» (سجده / ۲۷)،<sup>۲</sup> درباره حضور خدا در اجزای هستی و فرمان‌پذیری و درک این اجزا نسبت به امر خدا سخن می‌گوید. هرچند این آیات انسان را در مقام توجه به خداوند و پذیرش توحید قرار می‌دهند، از لوازم نهفته در آنها مسئولیت اخلاقی انسان نسبت به خلقت است. در حقیقت این مبناي هستی‌شناسانه است که زمینه نگرش و تصوّر متفاوت را در انسان نسبت به محیط اطراف فراهم می‌آورد. در قرآن از تسبیح‌گویی و شعور موجودات پرده برداشته شده است. شاید بتوان گفت اولین ظرفیتی که می‌تواند به درونی‌سازی بینجامد، تعریف و تصویری است که قرآن از موجودات ارائه می‌کند. قرآن از نوع تعامل هستی با خدا خبر می‌دهد و موجودات آسمان و زمین و آنچه در او هست، تسبیح‌گوی خدا می‌داند: «و هیچ موجودی نیست جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست، ولیکن شما تسبیح آن‌ها را فهم نمی‌کنید» (اسراء / ۴۴).

۱. براساس نظریه «برخورد ماشینی با حیوانات» دکارت، حیوانات ماشین‌های سطح بالا و پیچیده‌ای هستند؛ البته کوهلر نشان داد که میمون‌ها درک و ذهنیت بالایی دارند و از این رو باید آن‌ها را نیز به‌عنوان موجوداتی دارای شأن در نظر گرفت.

۲. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ».

این تصویر که براساس دریافت‌های وحیانی و از منبع موثق متون دینی به انسان رسیده، او را به خویشتن‌داری اخلاقی در مقابل محیط وامی دارد. در چنین حالتی، حتی برگ درختان سبزی باعث ایجاد معرفتی ابتدایی نسبت به خداوند شده و هستی را که در حال تسبیح پروردگار است، موجودی شعورمند و برخوردار از آگاهی و فراتر از آن در پیوند و ارتباط با حق می‌داند.

چنین معرفتی از انگیزه‌های غیراخلاقی نسبت به محیط به شدت می‌کاهد و حتی می‌تواند در نوع ارتباط با انسان‌ها نیز اثرگذار باشد. در سیره رسول خدا ﷺ چنین مطلبی قابل مشاهده است؛ چنان‌که نوع ارتباط پیامبر ﷺ با ستون حنّانه حاکی از این ماجراست. ستون حنّانه، تنه خشکیده نخلی بود که در مسجد پیامبر قرار داشت و پیامبر ﷺ هنگام صحبت به آن تکیه می‌کرد. پس از آوردن منبر به مسجد و جدایی پیامبر ﷺ از آن، شروع به نالیدن کرد که چنین اعجازی می‌تواند گویای شعور و آگاهی هستی نسبت به مهربانی یا نامهربانی انسان باشد. مهم‌تر از این واقعه، نوع رفتار پیامبر با ستون حنّانه است. در نقل‌ها چنین آمده که پیامبر ﷺ این ستون را در حضور مردم در آغوش گرفت و مورد نوازش قرار داد (مجلسی، بی‌تا: ۱۷ / ۳۶۳-۳۶۷). چنین رفتاری از پیامبر ﷺ آن‌هم در انظار عمومی می‌تواند نقطه عطفی برای نوع ارتباط ما با محیط زیست باشد؛ به‌ویژه اینکه ستون حنّانه درخت زنده‌ای نبود؛ بلکه چوبی خشک بود. این نوع برخورد، رفتار ما با جمادات، کوه، بیابان و ... را نشانه گرفته و ما را در برابر آن‌ها مسئول خواهد کرد. بناها و خیابان‌ها و حتی ابزاری که ما در زندگی از آن استفاده می‌کنیم، براین اساس دارای حرمتی خاص و شأنی اخلاقی خواهند شد.

مولوی به چنین مطلبی نگاهی ارزشی داشته و گزاره‌ای هنجاری را مطرح می‌کند: بناخت نور مصطفی آن اُسْتُن حنّانه را کمترز چوبی نیستی حنّانه شو حنّانه شو در این بیت شعورمندی انسان با معرفتی که ستون حنّانه به پیامبر رحمت ﷺ داشته، مقایسه شده است. لازمه چنین حقیقتی نوعی الزام اخلاقی در مواجهه با طبیعت است که بر اخلاق زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارد. در اصل، باور به اینکه موجودات نسبت به

خداوند آگاهی و شعور داشته و بین آن‌ها و خداوند ربط و پیوندی است، باعث می‌شود که انسان مراقبت و مراعات بیشتری نسبت به آن‌ها داشته باشد. چنین نگرشی نوعی نگرش الهیاتی است که به نوع باورهای پذیرفته‌شده افراد بستگی کامل دارد؛ از این رو خدا باوران و موحدان نسبت به دیگران در زمینه رعایت اخلاق زیست محیطی تأثیر پذیری بیشتری دارند.

### ۳-۲. توجه به مسئولیت در قبال محیط زیست

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای از مسئولیت عام اخلاقی سخن گفته‌اند که کمترین حد آن در مقابل خلقت و بیشترین حد آن نسبت به انسان‌های دیگر است: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: خطبه ۱۶۷). در این خطبه، امام علیه السلام مردم را نسبت به بندگان خدا و سرزمین‌ها مسئول می‌داند؛ از این رو در کنار عباد، بلاد را نیز مطرح می‌کنند. اگرچه در این فراز با مقدم کردن عباد بر بلاد، بندگان دارای ارجحیت در مقام مراعات اخلاقی آنان دانسته شده‌اند، با توضیح بعدی، یعنی مسئولیت انسان در مقابل مخلوقات و موجودات دیگر، حق مطلب ادا شده و درباره مسئولیت عظیم انسان در مقابل هستی سخن گفته شده است.

گره زدن تقوا به عنوان نوعی مراقبه و خویشتن‌داری به مسئله بلاد، به مخاطب درباره محیط و سرزمین‌هایی که افراد در آن زندگی می‌کنند، هشدار می‌دهد. البته نکته قابل توجه این است که حضرت علیه السلام در یک نگاه حکومتی و از باب سیاست‌گذاری، چنین مطلبی را به مالک اشرار توصیه می‌کند. نکته لطیف دیگری که آن را در مبانی اسلامی و نگاهی که به شهر و دیار و سرزمین هست، می‌توان یافت، اضافه ضمیر متصل «ه» به بلاد است. حضرت علیه السلام با بیان بلاد و عباد در کنار هم و اضافه کردن ضمیر یادشده و ذکر این مطلب که عباد و بلاد همه از آن خدا هستند، مالک اشرار را به مراقبه و توجه به این نکته سفارش کرده و از این طریق به آموزش اخلاق در مواجهه با محیط زیست پرداخته است؛ از این رو، فرمود بر توباد مراقبه و تقوا نسبت به بندگان خدا و بلادش (بلاد الهی). فهم این

نسبت می‌تواند تأثیرات شگرفی بر مسئولیت اخلاقی انسان داشته باشد. پاره بعدی روایت رفع ابهام کرده و این نوع مراقبه اخلاقی را تعلیل می‌کند و از مسئولیت اخلاقی انسان حتی در مقابل بناها و ساختمان‌ها و حیوانات سخن می‌گوید. البته می‌توان با گستردن دامنه چنین مسئولیتی آن را از باب مسئولیت شرعی و دینی دانست که انسان به پاسخ‌گویی درباره آن ملزم می‌شود.

در این زمینه، در متون دینی به اشکال جزئی‌تر چنین مسئولیتی توجه داده شده؛ از جمله پیامبر درباره کشتن حیوانات هشدار داده و فرموده‌اند که هرکس بی‌دلیلی موجه گنجشکی را بکشد، روز قیامت برانگیخته خواهد شد، در حالی که از عرش چنین ندا می‌رسد: پروردگارا از این فرد پرس از چه روی فایده مرا کشت؟ (طبرسی، ۱۴۰۷: ۳۰۳).

از جمله شواهد دیگری که انسان را به مسئولیت در قبال حیوانات هشدار می‌دهد، این روایت است که روزی نظر مبارک رسول اکرم ﷺ بر شتری افتاد که پایش بسته و در زنجیر بود، در حالی که جهاز بر پشتش قرار داشت، پس پیامبر ﷺ فرمودند: صاحب این شتر کجاست که به او بگویند، باید آماده پاسخ‌گویی روز قیامت باشد (حرّ عاملی، ۱۴۲۷: ۱۱/۵۴). از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام نیز چنین روایت شده است که پروای خداوند را در اموال و احشامتان (گوسفند، گاو و کبوتر) رعایت کنید. طبق این روایت، چنین مسئولیتی تا روز قیامت دامن افراد را گرفته و افراد درباره آن مورد بازخواست و پرسش قرار خواهند گرفت. چنین تحذیری درباره درختان و گیاهان نیز آمده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام در روایتی از قطع درختان نهی فرموده و کیفر چنین کاری را عذاب الهی دانسته‌اند<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۴۸: ۴۲/۵). شاید بتوان از چنین روشی تحت عنوان تحذیر یاد کرد که بر اثر آن، نوع عملکرد انسان نسبت به محیط و اشیا تغییر کرده و انسان خود را درباره آن‌ها مسئول خواهد دانست. البته جنبه‌های تشویقی نیز در این زمینه حائز اهمیت است. براساس این روایات و دیدگاه اسلامی، کسانی که حق محیط را رعایت می‌کنند از

۱. لَا تَقْطَعُوا الشَّجَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا.

تشویق‌های دنیوی و اخروی برخوردارند؛ به عبارت دیگر این آثار وضعی مثبت و منفی می‌تواند، هم جنبه تحذیری و هم جنبه تشویقی داشته باشد.

افزون بر محیط زیست گیاهی، توجه به حیوانات و مسئولیت اخلاقی در قبال آن‌ها نیز مورد توجه روایات قرار گرفته است. در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که کیفر کسی که بی‌دلیلی موخه چهارپایی را بکشد، یا درختی را قطع کند، یا کشتزاری را ویران کند، یا چاه یا نهر آبی را تخریب سازد، جریمه نقدی و شلاق است<sup>۱</sup> (طبرسی، ۱۴۰۷: ۱۷/۹۵).

این مسئولیت تا حدی است که برای آن حدود و مجازاتی تعیین شده است؛ از این رو انسان جدا از مسئولیت اخلاقی نسبت به حیوانات، مسئولیت فقهی و شرعی نیز دارد که بایستی به آن توجه کند. از جمله پژوهش‌های فقهی‌ای که در این باره صورت گرفته، عبارت است: «مبانی و احکام فقهی محیط زیست» (تاری مرادی و فخلعی، ۱۳۸۵: ۳۱-۶۶) و کتاب بررسی محیط زیست از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی و تأثیرات آن در جامعه (مهدیان، ۱۳۹۶).

### ۳-۳. توجه به ثمرات و آثار وضعی

این نکته برای تصحیح این باور غلط است که نوع عملکرد فرد نسبت به محیط زیست هیچ‌گونه تأثیر خوب یا بدی را متوجه او نخواهد کرد؛ به عبارت دیگر کسانی که به تخریب محیط زیست، شکستن درختان، آلوده کردن نهرها، زدن حیوانات و... دست می‌زنند- صرف نظر از قانون و حقوقی که طبق آن باید نسبت به محیط زیست برخوردی مسئولانه داشته باشند- معتقدند که تأثیر خاصی از نوع رفتارشان متوجه آنان نخواهد شد. چنین کسانی از این نکته غافل اند که رفتار خوب یا بد انسان تأثیرات قابل توجه مادی و معنوی، جسمی و روحی و دنیوی و اخروی بر زندگی او خواهد گذاشت.

۱. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: «أَنَّهُ قَضَى فِيمَنْ قَتَلَ دَابَّةً عَبَثًا أَوْ قَطَعَ شَجَرًا أَوْ أَفْسَدَ زَرْعًا أَوْ هَدَمَ بَيْتًا أَوْ عَوَّرَ بُئْرًا أَوْ نَهْرًا أَنْ يُعْرَمَ قِيَمَةٌ مَّا اسْتَهْلَكَ وَأَفْسَدَ وَيُضْرَبَ جَلْدَاتٍ نَكَالًا».

از این رو، آگاه کردن خود و دیگران از عوارض و ثمرات خوش زیستی با محیط می‌تواند نگرش و تصوّر آنان را تغییر داده و باعث شود که برای بهبود رفتار خود مصمّم تر باشند. برخی از آموزه‌های پیشین در بردارنده چنین اثر وضعی‌ای است؛ چنان‌که در روایات قطع درختان، نتیجه چنین عملی در دنیا و آخرت، به نحو مطلق، عذاب الهی است. بر این اساس، ممکن است بسیاری از مشکلات ما ناشی از مشکلاتی باشد که برای موجودات و محیط زیست ایجاد کرده‌ایم.

برخی از روایات نیز از آثار تعامل خوب ما با محیط پرده برمی‌دارد؛ از جمله از پیامبر ﷺ نقل شده است: «هرکس نهالی بکارد که به ثمر بنشیند، خداوند به مقدار ثمر آن به او پاداش می‌دهد» (نوری، ۱۳۶۷: ۱۳ / ۴۶۰). این پاداش مطلق است؛ یعنی خداوند در احیای محیط زیست برکت و ثوابی قرار داده که می‌تواند زندگی دنیوی یا اخروی انسان را آباد سازد. همچنین از آن بزرگوار روایت شده که ثواب آب دادن به گیاه، همانند ثواب آب دادن به مؤمن تشنه است: «مَنْ سَقَى ظَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا» (طبرسی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۳، ۴۶۰) که ما بر اساس متون دینی آب دادن و سقایت مؤمن را دارای اجر فراوان می‌دانیم. این نوع روایات افزون بر تأثیر بر بینش و تصوّر افراد نسبت به محیط زیست، از طریق تشویق یا تحذیر و بیان تنبیهات نیز تأثیرات عاطفی و گرایشی خواهد گذاشت.

#### ۴. فرایند تغییر رفتار اخلاقی

مقصود ما در پژوهش حاضر ارائه فرایند تأثیرشأن اخلاقی محیط بر ایجاد تصوّر صحیح با توجه به مبانی و آموزه‌های دینی است. این مبانی راه‌حلی را پیشنهاد می‌دهد که بر اساس آن فرایند رفتار اخلاقی به صورت درونی شکل خواهد گرفت و نه عوامل و ابزارهای بیرونی. بر این اساس، اولین مرحله فرایند تغییر رفتار، از تصوّرات و بینش افراد که آن را انگاره نامیدیم، شکل می‌گیرد. در این زمینه، مسئله آموزش از این نقطه آغاز می‌شود. اضلاع نگرش مطلوب تا حدی بیان شد. چنین تصوّراتی می‌تواند از راه‌های مختلفی



به عموم منتقل شود که مهم‌ترین مسئله، عنصر آموزش است که خود به گونه‌های مختلفی، از قبیل آموزش مستقیم یا غیرمستقیم تقسیم می‌شود. این روش آموزش می‌تواند از طریق تذکر، پرسش و ارائه سیره و روش معصومان علیهم‌السلام و تحلیل چنین نگاهی صورت پذیرد.

آموزش یادشده دو سطح دارد: سطح عمومی و سطح حرفه‌ای. جامعه هدف با کسب آگاهی، فرایند تغییر بینش را آغاز کرده و آرام آرام به انبوهی از معارف و آموزه‌ها درباره شأن اخلاقی و متعالی محیط زیست دست می‌یابد. بخشی از این شأن مربوط به ماهیت و حقیقت محیط زیست، بخشی مربوط به الزام اخلاقی و مسئولیتی است که آموزه‌های اخلاق اسلامی به عهده انسان و سازمان گذاشته و بخشی نیز مرهون آگاهی نسبت به تأثیر وضعی نوع رفتار انسان با محیط زیست است. هنگامی که این سه بخش در کنار هم قرار گیرند، زمینه شکل‌گیری گرایش‌ها و حب و بغض انسان نسبت به متعلق اخلاق و رفتار اخلاقی که محیط زیست است، ایجاد می‌شود. موارد یادشده معارفی هستند که افراد باید به تصوّر صحیحی از آن‌ها دست یافته و خوب فهم کنند. چنین فهم درستی آرام آرام آنان را به تصدیق و تأیید صحت گزاره‌های ذیل واداشته و زمینه تغییر را در ایشان فراهم کرد.

برخی از گزاره‌هایی که براساس آموزه‌های دینی باید تصحیح شده و مورد تعلیم و آموزش قرار گیرد، از قرار ذیل است:

انگاره و تصوّر مطلوب	تصوّر و انگاره نادرست
عالم مخلوق خداوند است و او به همه اجزای هستی عنایت ویژه‌ای دارد.	هستی بی‌آغاز و انجام، رها و محصول فعل و انفعالات ماده و تصادف است.
عالم و موجودات دارای شعور و آگاهی هستند.	عالم و موجودات هیچ‌گونه آگاهی و فهمی از انسان و عملکرد او درباره خود ندارند.
هستی که شامل جماد و نبات است، به	عالم هستی هیچ‌گونه فهمی نسبت به خدا

ندارد و نمی‌توان آن را همانند انسان انگاشت.	صورت تکوینی تسبیح‌گوی حق است و از این رو محترم می‌باشد.
ما در برابر موجودات دیگر، به جز انسان، مسئولیتی نداریم.	ما در قبال هستی، هم مسئولیت اخلاقی، هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت حقوقی و قانونی داریم.
خداوند ما را در مقابل موجودات دیگر، به جز انسان، بازخواست نخواهد کرد.	خداوند انسان را دربارهٔ هستی مسئول می‌داند و از او در قبال رفتارش بازخواست خواهد کرد.
بدرفتاری با محیط‌زیست در زندگی ما اثری نخواهد داشت.	اگر به محیط‌زیست آسیب بزنیم، زندگی دنیوی ما با چالش مواجه خواهد شد.
به علت بی‌شعوری عالم، موجودات هستی نسبت به عملکرد ما بی‌تفاوت هستند.	عالم به نوع عملکرد ما نسبت به خود پاسخ خواهد داد.
مشکلات ما صرفاً مربوط به سوءاختیار در قبال خود و انسان‌های دیگر است و نه پدیده‌های طبیعی و حیوانات.	بسیاری از مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی محصول عملکرد بد ما با هستی است.

این نکته ضروری است که شیوه و روش طرح گزاره‌های یادشده برای سطوح مختلف مخاطبان متفاوت است؛ چراکه برخی به روش عقلی و برخی به شیوهٔ جدلی و اقناعی نسبت به این مباحث واکنش نشان می‌دهند. از این رو، این آموزه‌ها انسان را از مرحلهٔ «هست» به مرحلهٔ «باید» رسانده و آرام‌آرام به سوی نوعی هنجار و باید اخلاقی دربارهٔ محیط‌زیست سوق می‌دهند. این تغییر‌نگرش خود را در عواطف، علائق و حب و بغض و در قالب گزاره‌های فکری و روانی‌ای به شرح ذیل نشان می‌دهد:

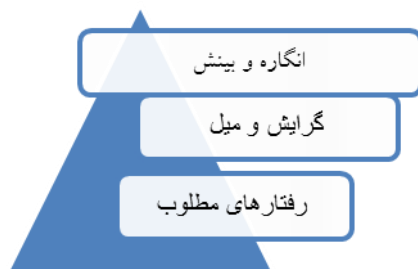
- نمی‌توان و نباید در برابر محیط‌زیست بی‌تفاوت بود.

- باید در نوع عملکرد خود نسبت به هستی تجدید نظر کرد و آن را جدی‌تر گرفت.

- شاید رنجی که در زندگی من است، از بی‌تفاوتی من نسبت به هستی و محیط

زندگی ناشی می‌شود.

- کندن شاخه های درختان و ویران کردن جنگل و بیابان در زندگی بی تأثیر نیست.
- باید پاسخ‌گوی نوع عملکرد خود در مقابل هستی باشم.
- نباید از مکافات نوع عملی که در قبال گیاهان، حیوانات، کوه و بیابان داشته‌ام، غافل باشم؛ بلکه باید راهی برای پیشگیری از چنین مکافات بی‌بام.
- چنین گزاره‌هایی که بیشتر درونی هستند، زمینه ایجاد تصوّرات مثبت و تغییر روحی ما در مقابل هستی را فراهم آورده و مبدأ میل ما را تغییر می‌دهند. در اصل پیش از اینکه ما به رفتار مناسب اخلاقی مایل شویم، حبّ و بغضمان در این زمینه فعال شده و خوب زیستن و اخلاقی عمل کردن نزد ما محبوب می‌شود. چنین حبی از سویی رفتارهای زشت با طبیعت را مبعوض ما کرده و از سوی دیگر ما را به خوب عمل کردن مایل می‌کند. نتیجه چنین فرایندی خود را در نوع رفتار ما با محیط زیست نشان داده و مانع بروز رفتارهای غلطی چون شکستن شاخه‌ها، لگد مال کردن گل و چمن، ریختن زباله در رودخانه‌ها، از بین بردن حیوانات و آزار آن‌ها و بسیاری دیگر از مسائل و مشکلات در این زمینه خواهد شد. افزون بر این ما را به تعامل اخلاقی با محیط علاقه مند کرده و به پاک‌سازی معابر و نهرها، درخت‌کاری و کاشتن گل، حفظ محیط وحش و بیابان‌ها و بسیاری از رفتارهای مطلوب دیگر مایل خواهد کرد.
- با تغییر تصوّر از محیط زیست و تصحیح انگاره‌ها، هم در ایجاد فضایل و بهبود اخلاق محیط زیست گام برداشته‌ایم و هم از نظر پیشگیری و درمان توانسته‌ایم به اقدامات عملی دست یابیم و این چیزی نیست جز محصول درونی سازی که از روش انگاره‌سازی مطلوب براساس نگرش دینی صورت گرفته است. البته چنان‌که دیده می‌شود انگاره در قلّه هرم فرایند تغییر رفتارها در اخلاق زیست محیطی قرار دارد.



### نتیجه

یکی از عناصر مهم در ایجاد رغبت و میل برای تعامل اخلاقی با محیط زیست توجه به مبانی معرفتی است؛ براین اساس، باورهای بنیادین ما دربارهٔ جهان، خدا و طبیعت می‌تواند در نوع تعاملمان با خلقت تأثیرگذار باشد. با توجه به اینکه ما به نوع نگرش و تصوّرمان دربارهٔ محیط زیست توجه و التفات کافی نداریم، زمینه‌های رفتار مطلوب و مورد تأکید آموزه‌های دینی در ما کمتر شکل می‌گیرد؛ از این رو میل جمعی و انگیزهٔ کافی برای رفتار اخلاقی با محیط زیست نیز با چالش‌هایی مواجه است. آنچه باعث ضعف اخلاقی ما در این زمینه می‌شود، تصوّر نادرست از نسبت میان ما و محیط است. چنین تصوّر غلطی در چند عنصر اساسی نهفته است: نخست، بی‌ارزشی محیط زیست در دیدگاه اخلاقی برخی و اینکه محیط زیست ابزار خدمت به آدمیان است، دوم، بی‌مسئولیتی به این معنا که افراد گمان می‌کنند هیچ‌گونه مسئولیت شرعی و اخلاقی‌ای نسبت به محیط زیست ندارند و سوم، مسئلهٔ آثار نوع رفتار ما با محیط زیست است که افراد به علت توجه نکردن به آن از آثار وضعی نوع تعاملشان با محیط زیست در زندگی و حیات اخروی و دنیوی غافل‌اند. متون دینی به این سه عنصر توجه ویژه داشته و درصدد تغییر نگرش افراد نسبت به محیط زیست هستند.

تصحیح انگاره و تصوّر افراد از آنجا مهم است که می‌تواند نقطهٔ آغاز، بلکه مهم‌ترین عنصر فرایند تغییر رفتار باشد و مبدأ میل افراد را نسبت به نوع رفتارشان با محیط زیست تغییر دهد. پژوهش حاضر ضمن آسیب‌شناسی مسئله نشان داده است که چگونه تغییر

نگرش می‌تواند به رفتار اخلاقی در قبال محیط زیست بینجامد. شواهد نقلی موجود در متون دینی و آموزه‌های اخلاق اسلامی، بخش عمده‌ای از چنین تغییر نگرشی را به عهده دارد که چنانچه براساس سازوکار مشخص و روشمندانه به خدمت گرفته شود، می‌تواند تحوّل عظیمی در اخلاق عمومی مردم نسبت به محیط زیست ایجاد کند.

نکته پایانی، دخالت مبانی یادشده در حلّ چالش‌های پیش روی ما با محیط زیست است. چالش‌های اخلاق زیست محیطی همواره دغدغه‌هایی برای پژوهشگران این عرصه فراهم می‌آورد که با توجه به مبانی پیش‌گفته می‌توان بخش عمده‌ای از آن را حل کرد؛ برای نمونه طبق مبانی یادشده می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد: آیا ذبح حیوانات اخلاقی است؟ آیا استفاده از محصولات دامی صحیح است؟ آیا ایجاد کشتارگاه‌های صنعتی اخلاقی است؟ آیا نگهداری حیوانات اعم از ماهی، پرنده و... کاری صحیح است؟

این پرسش‌ها و پرسش‌های زیست محیطی دیگر را می‌توان براساس مبانی معرفتی دین پاسخ گفت که می‌تواند مسئله مقالات مستقلی باشد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳. ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۴. اکبریان، سید محمد، «بررسی تحلیلی مبانی و نتایج دیدگاه رابطه ضروری معرفت و عمل اخلاقی»، نقد و نظر، پیاپی ۶۲، ۱۳۹۰ ش.
۵. بیدهندی، محمد و دیگران، «بررسی و نقد نظریات اخلاق زیست محیطی با استفاده از قاعده بسیط الحقیقه»، فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۲۲، ۱۳۹۲ ش.
۶. بیدهندی، محمد و محسن شیراوند، «اخلاق زیست محیطی در حکمت متعالیه»، اخلاق پزشکی، شماره ۱۱، ۱۳۸۹ ش.
۷. تاری مرادی، احسان و محمدتقی فخلعی، «مبانی واحکام فقهی محیط زیست»، فقه و اصول، دوره سی و هشتم، شماره ۱، پیاپی ۷۱، ۱۳۸۵ ش.

۸. جغتایی، رحمت‌الله، «اخلاق زیست محیطی از منظر اسلام در حوزه آب»، رساله دوره دکتری، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ۱۳۹۲ ش.
۹. حرّ عاملی، محمّد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۷ ق.
۱۰. دشتی، مصطفی حسین، *معارف و معاریف*، نشر آرایه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. رکن‌الدینی، حسین، «شأن اخلاقی محیط زیست و چالش‌های آن (تراحامات و دیدگاه‌های رقیب) با تأکید بر اندیشه اسلامی»، رساله دوره دکتری، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. سجادی، سید مهدی، «رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی»، *مجله پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، شماره ۳، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. سلمان ماهینی، عبدالرسول، *شالوده حفاظت محیط زیست*، راه دانش سبز، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. شیدان شید، حسینعلی، *عقل در اخلاق از نظرگاه غزالی و هیوم*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. عابدی سروستانی، احمد و دیگران، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، شماره ۱-۲، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. علوی مقدّم، سید محمّد رضا و اعظم قاسمی، «اخلاق و فلسفه محیط زیست و ضرورت توجه به نقش آن در جهان امروز»، *انسان و محیط زیست*، دوره هشتم، شماره ۴، پیاپی ۲۶، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. فتحعلی، محمود، «نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام با تأکید بر آرای استاد مصباح یزدی»، *معرفت اخلاقی*، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. فقیهی، سید احمد، «طراحی الگوی دسته‌بندی روش‌های تربیت اخلاقی»، شماره ۵، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. فرامرز قراملکی، احد، «توان فلسفه ملاصدرا در حلّ مسئله شأن و جایگاه اخلاقی محیط زیست»، تهران، کنگره روز جهانی فلسفه، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. کلینی، محمّد بن یعقوب، *کافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲۱. کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه یونان و روم*، ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. کیس، الکساندر و دیگران، *حقوق محیط زیست* (جلد اول)، مترجم: محمد حسن حبیبی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. مجلسی، محمّد باقر، *بحار الانوار*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۲۴. مهدیان، اسماعیل، *بررسی محیط زیست از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی و تأثیرات آن در جامعه*،

- میراث ماندگار، تهران، ۱۳۹۶ش.
۲۵. مؤمنی، ناصر و محمدجواد موحدی، «مبانی جهان‌شناختی اخلاق زیست محیطی در اندیشه صدرالمتألهین»، *اخلاق*، شماره ۴۶، پیاپی ۱۴۰۱، ۶۹ش.
۲۶. نصر، حسین، *دین و نظم طبیعت*، ترجمه انشاء الله رحمتی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵ش.
۲۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۷ق.
28. Callicott, J. Baird, Environmental Ethics, In Encyclopedia of Ethics, second edition, by Lawrence C. Becker and Charlotte B. Becker, vo.I. p 470-467. Routledge Publication, 2001.
29. Warren, Mary Ann, Moral Status Obligations to persons and other living Things, Oxford and New York: Oxford University Press, 1997.
30. <http://gharamaleki.ir>